شبهه ۳۱: اقتدار ایران در دوره پهلوی

اولین شاه ایران که شاه ٦٠ کشور پشتش راه رفتن. هیچ کشور عربی حق فروش یک لیتر نفت بدون اجازه شاهنشاه نداشته. رئیس اوپک به همراه امریکا. دوران پهلوی چنان اقتداری بود که دکتر علی خلعتبری کاندیدای ریاست سازمان انرژی هسته‌ای بر عهده گرفت و آمریکا قول ساخت ۳۰ نیروگاه هسته‌ای به ایران داد. احترام نظامی بعد از دیدن عکس اعلا حضرت بروی پاسپورت در ٦٠ کشور جهان. چنان قدرتی بر ایران حاکم شد پس از کردن نفت از بشکه‌ای ۲ دلار به ۷ دلار که کل جهان در مقابل شاهنشاه ایران سر خم کردند همان شاهی که احمق‌ها بهش نوکر امریکا می‌گفتند. قطع رابطه با شوروی تزاری به دلیل خیانت به ایران. وقت‌های ملاقات برای کشورهای عربی زیر ٤ ماه نبوده.

پاسخ شبهه:

۱- اینکه برای حفظ جزایر سه‌گانه، بحرین را به اعتراف خود شاه تحت فرمان انگلیس جدا کرد، اقتدار بود یا استقلال در سیاست؟[۱]

۲- اختلاف با عراق بر سر اروند به مدت ٤ سال (۱۳٤۸ تا ۱۳۵۲) بوده نه ٦ ساعت.[۲]

۳- ادعای ریاست بر اپک هیچ منبعی ندارد و اساساً شاه با تأسیس اپک مخالف بود (چون نمی‌خواست رابطه‌اش با کنسرسیوم تیره شود)[۳]

٤ – قطع رابطه با شوروی ثبت نشده اما به دلیل وابستگی حکومت پهلوی به غرب و آمریکا این روابط در برهه‌هایی از زمان تقلیل یافته است. بخصوص وقتی ایران با قرارداد کنسرسیوم نفت[٤] سال ۳۳ و تعهدات متعاقب آن عملاً تحت سلطه امریکا قرار گرفت.[٥]

۵- اینکه «شاه ٦۰ کشور پشتش راه رفتن» کلاً چند کشور در دنیا شاه دارند که ٦۰ تاش پشت سرش راه رفتن؟

---

[1] – https://fa.wikipedia.org/wiki/

[2] – http://www.centralclubs.com

[3] – http://vista.ir/article/35541

[٤]. قرارداد کنسرسیوم قراردادی است که پس از کودتای ۲۸ مرداد بین دولت ایران و کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی برای بهره‌برداری از منابع نفتی ایران بسته شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، نخست‌وزیر جدید، فضل‌الله زاهدی روابط با دولت انگلیس را که در زمان مصدق قطع شده بود از سر گرفت. مذاکرات نفت از ۲۲ فروردین ۱۳۳۳ با سرپرستی وزیر اقتصاد و دارایی، دکتر علی امینی آغاز شد که منجر به قرارداد کنسرسیوم یا قرارداد امینی – پیج گردید.

[5] – http://pahlaviha.pchi.ir.

٦- احترام نظامی بعد از دیدن عکس اعلا حضرت بروی پاسپورت در ٦٠ کشور جهان احتمالاً همان ٦٠ کشور پادشاهی که پشتش راه می‌رفتن؟[1]

شبهه ۳۲: حاصل چهل و یک سال انقلاب چیست؟

این روزها مردم می‌پرسند حاصل چهل سال ایستادن پای انقلاب چه بوده؟ به مناسبت چهل‌ویک‌سالگی انقلاب، چهل‌ویک دستاورد انقلاب اسلامی خصوصاً در مقیاس‌های جهانی قابل‌تأمل است:

الف- دستاوردهای علمی، آموزشی[2]

۱- ایران رتبه ١٦ تولید علم جهان (۲۰۱۸) و رتبه اول شتاب علمی جهان (۲۰۱۷)

۲- سرعت پیشرفت علم در ایران ۱۱ برابر دنیا

۳- رتبه چهارم تولید علم نانو در جهان

٤- رتبه اول آسیا و پنجم جهان در فناوری لیزر

٥- رتبه پنجم جهان درزمینه امنیت شبکه مجازی

٦- ایران در رتبه ٤٧ نوآورترین کشورهای جهان (گزارش بلومبرگ ۲۰۱۹)

۷- تدریس ۲۱ هزار عضو هیات علمی زن در دانشگاه‌ها (قبل از انقلاب تنها ۱۰۰ زن استاد دانشگاه بوده‌اند)

---

[1] – marafat.persianblo.ir.

[2] . صعود چهل ساله.۱۳۹۸.ص ١٦٦.

۸- ۲۰۸ دانشمند ایرانی در جمع یک درصد دانشمندان برتر جهان

۹- ۲۳ دانشگاه ایران در زمره یک درصد دانشگاه‌های برتر جهان (ایران دارای ۲۵٤۰ دانشگاه است که قبل از انقلاب تنها ۲۲۳ واحد بود)

۱۰- ایران رتبه ۱۱ جهان در رشته مهندسی هوا فضا

۱۱. ایران رتبه دهم جهان در سلول‌های بنیادی

۱۲. ایران رتبه ۱۱ جهان در تولیدات علمی رشته شیمی

۱۳. ایران رتبه ۱۹ جهان در رشته پزشکی

۱٤. رشد باسوادی در ایران ۳ برابر میانگین جهانی: از ۳۸ درصد باسواد اینک ۹۳ درصد جامعه باسواد است.

ب- دستاوردهای درمانی

۱۵. ایران رتبه ۱۰ جهان در تولید و صادرات دارو (۹٦٪ داروها تولید داخل)

۱٦. دومین کشور دارای توانایی ساخت دریچه قلب (ایران پس از آمریکا دومین کشور جهان در زمینه این توانایی است.)

۱۷. دومین کشور درمان تالاسمی با شیوه پیوند مغز استخوان (پس از ایتالیا)

۱۸. رتبه ۱۵ جهان در چشم‌پزشکی، رتبه ۱۷ جهان در حوزه پوست و.

۱۹. رتبه چهارم جهان در تولید علوم ناباروری و باروری

ج – دستاوردهای نظامی[1]

۲۰. ایران سیزدهمین قدرت_نظامی جهان (شاخص Global Firepower 2018)

۲۱. ایران دهمین قدرت موشکی جهان (موشک‌های سجیل، خلیج‌فارس، قدر، فکور، قیام، خرمشهر، ذوالفقار، قاصد، عماد، نصر، هویزه و.)

۲۲. تنها کشور خاورمیانه در تولید زیردریایی

۲۳. دومین کشور دارای فناوری تولید پهپاد رادار گریز

۲٤. ایران جزء امن‌ترین کشورهای جهان (رتبه ۷۷) و امن‌تر از کشورهایی چون روسیه، چین، هند، ترکیه و. (رده‌بندی Global Finance ۲۰۱۹)

د – دستاوردهای اجتماعی و ورزشی خصوصاً در حوزه زنان

۲۵. ایران رتبه ۱۷ جهان در آخرین المپیک (پرافتخارترین ورزش‌های ایران: کشتی و وزنه‌برداری)

۲٦. افزایش ۸۰ برابری فضای ورزشی کشور بعد از انقلاب

۲۷. رشد تعداد نویسندگان: بیش از ٦۰ هزار نویسنده مرد (قبل از انقلاب تنها ۳۸۸ نویسنده)، بیش از ۲۸ هزار نویسنده زن (قبل از انقلاب تنها ۱۱ زن)

---

[1] .صعود چهل ساله.۱۳۹۸.ص ۱۳۲.

۲۸. رشد تعداد دانشجویان و تحصیل‌کردگان دانشگاهی: تعداد دانشجویان از ۱۷۰ هزار قبل از انقلاب به بیش از ٤ میلیون در هرسال رسیده و بیش از ۵۰٪ دانشجویان را زنان تشکیل می‌دهند. (قبل از انقلاب کمتر از ٦٪ درصد بوده)

۲۹. رشد تعداد پزشکان زن: ۳۰ هزار پزشک متخصص زن (قبل از انقلاب تنها ۵۹۰ پزشک متخصص زن)

۳۰. تعداد وکلای زن: از ۳۹ زن وکیل به بیش از ۲۵۰۰۰ زن وکیل رسیده

۳۱. تعداد قضات زن: از ۳۰ نفر به ۱۰۰۰ نفر رسیده؛ ۸.۵ درصد قضات زن هستند

۳۲. سازمان‌های غیردولتی زنان از ۱۰ به ۲۰۰۰ رسیده

۳۳. شمار کارکنان زن عالی‌رتبه از ۱۱ درصد به ٤۲ درصد رسیده

۳٤. تعداد سریال های ساخته‌شده قبل از انقلاب، از ٦۲ عنوان به ۱، ۱۵۰ عنوان به رشد ۱۸ برابری در پس از انقلاب رسید.

۳۵. ایران رتبه ١٤ جهان در نشر روزنامه و نشریات روزانه و رتبه ۸ جهان در تولید نشریات غیر روزانه

ه – دستاوردهای اقتصادی و رفاهی[1]

۳٦. رتبه رفاه و توسعه انسانی ایران: ٦۰ از بین ۱۸۹ کشور (توسعه‌یافته‌تر از کشورهایی چون ترکیه و.) (دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد ۲۰۱۸)

---

[1] صعود چهل ساله.۱۳۹۸.ص ۱۱٤.

۳۷. ایران رتبه ٤٧ جهان در برابری درآمد و عدالت اقتصادی (حتی وضع بهتری از آمریکا، ترکیه و...) و نصف شدن شکاف_طبقاتی (ضریب جینی ایران از ۵۰ به ۳۸ رسیده و شکاف طبقاتی ٤٠ درصد کاهش‌یافته)

۳۸. قدرت خرید مردم ایران در رتبه ۱۸ جهان (آمار بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول)

۳۹. افزایش ۲۵ سال امید_به_زندگی در ایران پس از انقلاب. (رتبه ٦٢ جهان)

٤٠. ایران رتبه ۱۳ خودکفایی و تولید محصولات کشاورزی در جهان؛ ایران در رتبه ۱۹ جهان در تولید برق و.

٤١. مهم‌ترین دستاورد انقلاب، انتخابات است. مردم خود حاکمان را انتخاب می‌کنند. نه با کودتای آمریکا، نه با عزل و نصب انگلیسی‌ها

شبهه ۳۳: سیزده سال ثبات قیمت‌ها بدون تورم

چهل سال هزینه دادیم تابفهمیم:

آب و برق و گاز و نفت مجانی نمی‌شود. نمی‌توانیم همه مردم را صاحب‌خانه کنیم.

ادوات نظامی، آهن‌پاره نیست. جلو بردن ساعت در تابستان تأثیر مثبت دارد. قرعه‌کشی و سود بانکی اشکالی ندارد. سیزده سال ثابت نگه‌داشتن قیمت‌ها بدون تورم، سواد و هنر می‌خواهد. اشغال سفارتخانه هزینه بسیار سنگینی دارد.انقلابی گری لزوماً مساوی با بی تدبیری و خشونت و جنگ نیست.

و تأسف‌بارتر اینکه: چهل سال هزینه دادیم ولی اقلیتی هنوز نفهمیده‌اند که:

با شعار مرگ بر دیگران مملکت آباد نمی‌شود. تنها با اتکا به موشک نمی‌توان مملکت را آباد و شکم مردم را سیر کرد. با جنگ‌افروزی در منطقه پیشرفت حاصل نمی‌شود، بلکه روزبه روز فاصله‌مان از کشورهای پیشرفته بیشتر می‌شود. حجاب اجباری و جلوگیری از ورود خانم‌ها به ورزشگاه‌ها جواب نمی‌دهد. با شعار و زور نمی‌توان برای همیشه بر اکثریت ملت حکومت کرد. مخالف باسواد و وطن‌دوست، منافق و دشمن نیست. با مسئولینی بی‌سواد و مدارک علمی جعلی نمی‌توان مملکت را آباد و پیشرفته کرد.

پاسخ شبهه:

۱–وعده‌ی مجانی بودن آب و برق توسط دولت موقت داده شد و حضرت امام آن را اصلاح فرمودند.[1]

سخنگوی دولت
برای کم‌درآمدها
آب
وبرق
مجانی
میشود
مالیات معاملات زمین

کیهان
تکشماره – ۱۵ ریال
امام محل اختفای
امام موسی صدر را جویا شد
وطئه شاه
علیه امام

[1] – http://shayeaat.ir/post/67

۲- عبارت «خانه نخرید، همه را صاحب‌خانه می‌کنیم» از امام خمینی نیست بلکه برگرفته از مصاحبه‌ی آیت‌الله خسروشاهی، رئیس هیئت‌امنای وقت بنیاد مسکن است! این تیتر ژورنالیستی و جنجالی روزنامه کیهان ۲۱ آذر ۱۳۵۸ در سخنان آیت‌الله خسروشاهی هم وجود ندارد و توسط خود روزنامه درج‌شده است!

اصل جملات ایشان در صفحه دوم این روزنامه:

> **«...همان‌طور که قبلاً وعده داده بودم با تشکیل بانک مسکن، مشکل مسکن در سرتاسر کشور حل‌شده تلقی می‌شود. کسانیکه پول زیاد برای خرید خانه ندارند، در خرید خانه عجله به خرج ندهند.»**

در این مصاحبه پیش‌بینی‌شده بود با ایجاد بانک مسکن، متقاضیان طی اقساط صدماهه یا با ۲۰ درصد پیش‌پرداخت و تقسیط مابقی مبلغ، صاحب‌منزل شوند.[1]

۳- هر دولتی که بعد از انقلاب تشکیل‌شده است هم نقاط قوت و هم ضعف‌هایی داشته است و بی‌انصافی است که فقط ضعف‌ها را ببینیم، ضمن اینکه عملکرد نادرست برخی مسئولین را نمی‌توان به‌پای کل نظام اسلامی و رهبری نوشت؛ چراکه برخی از این افراد برخلاف آرمانهای انقلاب و منویات رهبری عمل کرده‌اند.

٤ - ماجرای ثابت نگه‌داشتن قیمت‌ها و عدم وجود تورم و گرانی قبل از انقلاب دروغی بیش نیست، چراکه روزنامه‌های آن زمان موجود است.[2]

---

[1] – http://shayeaat.ir/extrapage/K2.

[2] – http://yon.ir/0LYwv.

۵- همان‌طور که رهبری معظم انقلاب فرمودند: منظور از شعار مرگ بر آمریکا مردم این کشور نیستند و درواقع منظور مرگ بر سیاست‌های ظالمانه و دولت‌های جنایتکار این کشور است.[1]

٦- اتهام جنگ‌افروزی به جمهوری اسلامی برای سرپوش گذاشتن به جنایات غربی‌ها به‌ویژه آمریکا در خاورمیانه و سایر کشورهاست وگرنه هر بچه‌ای می‌داند که این غربی‌ها هستند که در اکثر کشورها به دنبال جنگ‌افروزی هستند تا به منافع مادی و غیرانسانی خویش ازجمله فروش سلاح و ... دست پیدا کنند.

۷- بحث‌هایی نظیر حجاب اجباری و... برای دیده نشدن خدمات انقلاب به زنان مطرح می‌شود، وگرنه وضعیت زنان قبل و بعد از انقلاب قابل‌مقایسه نیست.

۸ - نویسنده شبهه درجایی می‌گوید:

چهل سال هزینه دادیم تا بفهمیم ادوات نظامی، آهن‌پاره نیست و در ادامه می‌گوید: اقلیتی هنوز نفهمیده‌اند که تنها با اتکا به موشک نمی‌توان مملکت را آباد کرد. به نظر می‌رسد نویسنده ابتدا باید تکلیف خودش را با خودش با این تناقضات روشن کند و بعد به اظهار فضل بپردازد.

---

[1] – www.yjc.ir/fa/amp/news/6826821.

شبهه ٣٤: شهدا حاصل تربیت پهلوی، معتادها حاصل تربیت جمهوری اسلامی

فرح پهلوی: ما جوان‌هایی پرورش دادیم که انقلاب کردند.شما چه جوان‌هایی ساختید؟

من جوان این زمانم که وضعم روزبه‌روز بدتر و جامعه‌ی من روزبه‌روز فاسدتر می‌شود. به‌راستی چرا پدرانمان میگویند شاه خدابیامرزت؟ چرا از آن زمان به‌خوبی یاد می‌شود؟

پاسخ شبهه:

در پاسخ به جمله منتسب به فرح باید گفت:

۱- قصد شما تربیت جوانان در قمارخانه‌ها و کاباره‌ها بود تا درنهایت از تربیت شما ساواکی‌ها، بهایی‌ها، شعبان بی مخها حاصل شوند.

۲- اگر شما تربیت‌کرده‌اید پس چرا شما را از کشور بیرون کردند.

۳- اما نسل انقلابی تربیت شده مدیون مجاهدت و ایثار جوانانی بود که در بیدادگاه‌های شما و زیر شکنجه شما شهید می‌شدند و حاضر با همکاری با شما نبودند! این ملت با حرف امام (ره) قیام کرد پس تربیت شده نسل اسلام است و انقلاب.

٤- شما مثل فرعون که موسی در خانه‌اش بزرگ شد، موسی زمان را در خانه پروراندید.

نسلی که این انقلاب بزرگ را کرده:

۱) همان نسلی است که در ۸ سال دفاع مقدس نگذاشت یک وجب از خاک این مملکت کم شود، نه مانند شاه آریایی که جزیره بحرین به همراه دویست جزیره را تقدیم عرب‌های وهابی نمود. شاهی که به آمریکایی‌ها حق مصونیت قضائی بخشید.

۲) نسلی است که برخلاف شما که ۷۰ درصد مردم را بی‌سواد نگه داشتید[۱]. هم‌اکنون بیشترین شتاب رشد علمی را در جهان برای ایران به وجود آورده، کشوری که بیش از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار دانشجو دارد و بیش از ٦۰ درصد جمعیت کشور تحصیلات عالیه دارند.[۲] در علوم هسته‌ای، هوا و فضا و پزشکی پیشرفته‌ای خیره‌کننده‌ای داشته‌ایم و رتبه‌های اول منطقه از آن ماست.[۳] و در حوزه نانو فناوری رتبه هفتم دنیا راداریم.[٤]

۳) نسلی که برخلاف آن دوره که حتی دکتر عمومی از هند و بنگلادش به ایران وارد می‌شد. سطح خدمات درمانی بهداشتی و رفاهی بسیار افزایش پیداکرده است؛ و از

---

[۱] .صهود چل ساله.۱۳۹۸.ص١٦٦.

[۲] . همان.ص١٦٨.

[۳] . همان.ص١٤٧.

[٤] . همان. ص۲۰۵.

کشورهای دیگر نیز مراجعه‌کننده داریم. امید به زندگی از ۵۸ به ۷۲ سال افزایش‌یافته است.[۱]

٤) نسلی است که از فقر و فلاکت و کوخ‌نشینی، از هزاران کاباره و فاحشه‌خانه، از وابستگی و سرسپردگی به اجانب ،رسیده است به: رتبه نخست تولید دارو در سطح خاورمیانه[۲]

در حوزه نظامی موفق به ساخت انواع موشک‌ها، جت‌ها، زیردریایی و تجهیزات پیشرفته شده‌ایم. ایرانی که یک پل بدون نظارت مهندسان خارجی نمی‌ساخت در سدسازی رتبه‌های اولیه در جهان را یدک می‌کشد و اکنون فخر می‌فروشد که تجربه خود را به سایر کشورها ارائه می‌دهد.[۳]

۵) قبل از انقلاب رزم‌آرا (نخست‌وزیر وقت) می‌گفت ایرانی‌ها بدون کمک غرب یک لولهنگ (آفتابه) نمی‌توانند بسازند چه رسد به ملی کردن و اداره نفت، حالا ایرانی به این باور رسیده است که از سیر تا پیاز صنعت و انرژی هسته‌ای را نانو را، ماهواره را خودش بسازد، تمام پیچ و مهره‌های آن را خودش ببندد، همان پیچ و مهره‌هایی که اوباما در مقابل چشم صهیونیست‌ها اعتراف می‌کند که می‌خواهد اما نمی‌تواند آن‌ها را از هم باز کند.

---

[۱] . صهود چل ساله.۱۳۹۸،ص ۷۲.

[۲] . همان. ص۷۲.

[۳] .همان.ص ۱۳۲.

٦) برخلاف سیاه نمایی‌ها، ر وز به‌روز بر قدرت و اقتدار علمی و سیاسی کشور افزوده می‌شود به‌نحوی‌که این اقتدار باعث وحشت استکبار شده و آن‌ها را به مقابله و مهار ایران اسلامی وادار کرده است.

شبهه ۳۵: اشتباه تسخیر لانه جاسوسی امریکا

واقعیت تسخیر سفارت آمریکا چیست؟

یکی از ابهاماتی که درباره تسخیر سفارت آمریکا مطرح می‌شود، خدشه در مبانی حقوقی اقدام انقلابی دانشجویان پیرو خطّ امام است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که بر چه اساسی یک کشور این حق را برای خود قائل می‌شود که دست به تسخیر سفارت یک کشور دیگر بزند و دیپلمات‌های آن را به گروگان بگیرد؟ آیا این حرکت با حقوق بین‌الملل در تضاد نیست؟

پاسخ به این سؤال از منظر یک حقوقدان آمریکایی، قابل‌تأمل است. «**فرانسیس آنتونی بویل**»، استاد دانشکده حقوق دانشگاه ایلینویز آمریکا می‌گوید:

> «**دستگیری و زندانی کردن دیپلمات‌های آمریکایی طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، حق قانونی ایران در دفاع از خود بوده است.**»

استاد دانشگاه آمریکایی، حمایت دولت کارتر از شاه را عامل اصلی تسخیر سفارت آمریکا می‌داند و می‌گوید:

> «**بحران گروگان‌ها در ایران، با توقیف دیپلمات‌های آمریکایی در ٤ نوامبر سال ۱۹۷۹ آغاز نشد، بلکه تصمیم کارتر مبنی بر پذیرش شاه برای معالجه که امکانات آن در دیگر جاها نیز فراهم بود، باعث بروز این بحران گردید... وقتی رئیس‌جمهور آمریکا در وهله اول، مسبب اصلی بروز بحران باشد، نیروهای بازدارنده حقوقی، سیاسی یا نظامی، نمی‌توانند از بروز بحران وخیم در روابط با کشورهای دیگر جلوگیری کنند.**»

ترس انقلابیون از اینکه مبادا آمریکا با پناه دادن به شاه، یک‌بار دیگر تجربه کودتا علیه ایران را تکرار کند، نکته دیگری است که آنتونی بویل به آن اشاره می‌کند. او می‌گوید دانشجویان ایرانی با دستگیری دیپلمات‌های آمریکایی، اقدامی پیشگیرانه را انجام دادند تا مبادا آمریکا با کودتایی دیگر، ماحصل انقلاب مردم ایران را هدر دهد.

شبهه ۳۶: چرا گروگان‌گیری؟

سؤال دیگری که مطرح می‌شود، این است که چرا دانشجویان پس از ورود به سفارت آمریکا، اقدام به گروگان‌گیری کردند؟ آیا امکان انجام رفتار مسالمت‌آمیزتری وجود نداشت؟

محمد موسوی‌خوئینی‌ها که آن روزها ارتباط نزدیکی با برخی از دانشجویان تسخیرکننده لانه جاسوسی آمریکا داشته است، سال ۸۹ در جواب این سؤال می‌گوید:

> **«می‌گویند گروگان‌گیری کار بدی بوده است ... سؤال این است که آمریکایی‌ها چرا چنین رفتاری با دانشجویان کردند که آن‌ها وادار به گروگان‌گیری شوند؟ چرا درها را بر روی دانشجوها باز نکرده و از آن‌ها استقبال و پذیرایی نکردند؟ تا بعد بتوانند با دولت تماس گرفته و مشکل را حل کنند. اصلاً عامل اصلی اینکه دانشجوها به سمت گروگان‌گیری رفتند رفتار خود آمریکایی‌ها بود.»**

خوئینی‌ها ورود دانشجویان به لانه جاسوسی را اقدامی طبیعی می‌داند که مشابه آن در بسیاری دیگر از نقاط دنیا هم انجام‌شده بود. وی در همین زمینه می‌گوید:

> **«گروگان‌گیری ناشی از عکس‌العمل نامتناسب آمریکایی‌ها بود و ازآنجا به بعد تصمیم‌گیرنده مردم بودند و نه دانشجویان. حال من نمی‌دانم احساسات و وجدان عمومی یک ملت را چه کسی می‌تواند به خود اجازه بدهد که محکوم کند؟»**

آیا نسبت به گروگان‌ها با خشونت رفتار شد؟

نوع برخورد با کارمندان سفارت تسخیرشده، یکی از موضوعاتی است که آمریکایی‌ها پس از آزادی کارکنان سفارت خود در ایران نسبت به آن شبهه کردند.

عبدالحسین روح‌الامینی از دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا دراین‌باره می‌گوید:

«کدام گروگان از آزادی عمل برخوردار است؟ آمریکایی‌ها در داخل سفارت فروشگاهی داشتند که به‌اندازه چندین ماه و حتی ذخیره سالیانه خوراک و غذا در آن وجود داشت که تمام این مواد غذایی از آمریکا آمده بود. حتی آشپزی که در این ٤٤٤ روز برای آمریکایی‌ها غذا می‌پخت، همان آشپزی بود که قبل از تسخیر لانه، برایشان غذا تهیه می‌کرد. شرایط زندگی آمریکایی‌ها و تغذیه آن‌ها در دوران ٤٤٤ روز از دانشجویان بهتر بود. خانم‌ها و سیاه‌پوستان هم به‌عنوان سیگنال حسن نیت دانشجویان در همان ابتدای تسخیر لانه آزاد شدند. برگزاری مراسم کریسمس برای آمریکایی‌ها آزاد بود و حتی بالاترین مقامات شورای انقلاب به دیدن آن‌ها آمدند»

شبهه۳۷: سفارت کشورها، محل دیپلماسی است؟ چرا اشغال؟

مخالفان تسخیر سفارت آمریکا این‌طور وانمود می‌کنند که سفارت آمریکا در ایران مثل همه سفارت‌های دیگر به امور دیپلماتیک مشغول بوده و اساساً حرکت دانشجویان علیه آن، وجهی نداشته است.

بااین‌حال، پس از تسخیر سفارت توسط دانشجویان، اسنادی کشف شد که نشان می‌داد که سفارت آمریکا در ایران نه مرکزی برای امور دیپلماتیک، بلکه پوششی برای اقدامات جاسوسی آمریکا علیه ایران بوده است. اگرچه کارکنان سفارت تا پیش از ورود دانشجویان به سفارت، بسیاری از اسناد را با دستگاه‌های مخصوص، رشته می‌کنند، امّا ورود به‌موقع دانشجویان به سفارت، باعث می‌شود که برخی از اسناد جاسوسی آمریکا علیه ایران کشف شود.

"فرانسیس آنتونی بویل" که خود یک استاد دانشگاه آمریکایی است، درباره نقش سفارت آمریکا در جاسوسی علیه ایران می‌گوید:

«اینکه سفارت آمریکا در تهران درگیر فعالیت‌های گسترده اطلاعاتی و امنیتی بود که مأموران اطلاعاتی آمریکا آن‌ها را تحت عنوان دیپلمات انجام می‌دادند،

غیرقابل‌انکار است. چراکه سفارت، اولین منبع برای هدایت مسائل اطلاعاتی و امنیتی آمریکا بود»

آیا تسخیر سفارت آمریکا صرفاً تصمیم چند دانشجو بود؟

روح‌الامینی دراین‌باره می‌گوید:

«این حرکت یک حرکت طبیعی و جوشیده شده از درون افراد نخبه انقلابی دانشجو بود، حرکت چهار یا پنج نفر نبود بلکه بیش از ۲۰۰ نفر باهم دراین‌باره اجماع کردند و یک حرکت عظیمی انجام دادند. ممکن است ایده اولیه از سوی چند نفر بوده باشد، اما حرکت انقلابی از سوی طیف عظیمی از دانشجویان و به‌طور طبیعی و غافلگیرانه بود»

توصیف موسوی‌خوئینی‌ها از ایام تسخیر سفارت آمریکا، نشان می‌دهد که دانشجویان پیرو خطّ امام، در اقدام خود، تنها نبوده‌اند:

«بلافاصله و برق‌آسا چنان این خبر در شهر تهران پیچیده بود که گویا هر کس شنیده بود، به آنجا آمده بود... اینجا دیگر اصلاً دانشجویان نقش‌آفرین نبودند. این مردم بودند که اجازه نمی‌دادند هیچ قدرتی یا مقامی تصمیمی بگیرد که در ارتباط با این واقعه چه باید کرد... مردم دیگ‌های غذا آورده بودند و نذر کرده

و به مردم غذا می‌دادند. دولت هم در این قضایا هیچ نقشی نداشت. دولت اگر می‌توانست افراد را ازآنجا بیرون می‌کرد، چه رسد به اینکه به آن‌ها شام و ناهار بدهد. از مقطع بعد از ورود به لانه و تصرف آن، مردم ایران بودند که آن‌قدر حمایتشان وسیع و گسترده بود. مثلاً از کرمانشاه جمعیتی پیاده حرکت کردند و تا جلوی سفارت آمریکا آمدند تا اعلام حمایت کنند»

شبهه۳۸: پشیمانی از تسخیر سفارت

اظهار ندامت برخی از تسخیرکنندگان لانه جاسوسی در سال‌های اخیر، این سؤال را ایجاد کرده است که آیا دانشجویانِ دیروز، امروز از اقدام خود در ابتدای انقلاب پشیمان هستند؟

عبدالحسین روح‌الامینی دراین‌باره می‌گوید:

«ممکن است این روزها افراد بعد از گذشت سی‌وچند سال مواضع متفاوتی داشته باشند و یا عقایدشان تغییر کرده باشد و در اثر آن، بحث‌های دیگری را مطرح کنند که البته این امر نیز نادر است. اگر امروز مجمعی گذاشته‌شده و ۲۰۰ نفر دانشجویی که لانه جاسوسی را تسخیر کردند، دورهم جمع شوند که البته عده‌ای از آن‌ها در جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند و در آن مجمع رأی‌گیری شود که احدی از شما ازآنچه انجام داده در تسخیر لانه جاسوسی پشیمان است و اگر همین شرایط امروز ایجاد می‌شد، باز دست به چنین کاری می‌زدید یا نه پاسخ‌های مشخصی خواهند داد... من در هیچ‌کدام از دانشجویانی که در تسخیر لانه جاسوسی نقش داشتند، هیچ‌گونه ابراز پشیمانی از حرکت خود در آن مقطع زمانی که در این افتخار سهیم بوده‌اند، ندیدم»

تسخیر سفارت آمریکا، اقدامی بدون دستاورد؟

در تحلیل تسخیر سفارت آمریکا، برخی صاحب‌نظران با نگاهی کلان‌تر به ابعاد ماجرا، آن را اقدامی می‌دانند که برای معرفی ابعاد و پیام‌های انقلاب اسلامی به دنیا ضروری

بوده است.آیت‌الله سیّد محمدمهدی میرباقری، رئیس فرهنگستان علوم اسلامی دراین‌باره می‌گوید:

«قدم دوم این بود که ما انقلاب خود را صادر کنیم؛ آیا این انقلاب از مرزهایمان عبور کند؟ بعضی‌ها بشدت مقابله می‌کردند، می‌گفتند شما انقلاب کردید حال کشور خود را بسازید با دیگران چکار دارید؟ قدم دوم امام رضوان‌الله تعالی علیه این بود که با حمایت از اشغال سفارت آمریکا و لانه جاسوسی او، انقلاب ما را وارد فاز جدید یعنی فاز مقابله با آمریکا و استکبار کردند. در فاصله کمی بعدازاین اقدام امام، در هرکجای دنیا که مبارزه عدالت خواهان‌های انجام می‌شد، زیر پرچم اسلام بود؛ تا قبل از آن در هر مبارزه‌ای که هدف آن عدالت‌خواهی بود، چه علیه رژیم‌های استبدادی مبارزه می‌شد، چه علیه آمریکا مثل ویتنام، همه زیر پرچم کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها انجام می‌شد... بعد از اشغال لانه جاسوسی حتی یک مبارزه مارکسیستی در دنیا انجام نشد. من به یاد دارم تنها مبارزه مارکسیستی، ساندینیست‌ها در نیکاراگوئه بودند که شکست خوردند؛ هیچ انقلابی جز با نام اسلام و بانام ادیان الهی نبود؛ این‌یک مرحله جدید انقلاب امام یعنی تصرف امام بود».

محمدصادق کوشکی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، استقلال کشورراز دستاوردهای تسخیر لانه جاسوسی می‌داند و می‌گوید:

«اگر از دید منافع و امنیت ملی به این حادثه نگاه کنیم، تسخیر لانه جاسوسی عملا کشور ما را به سمت استقلال پیش برد و امید آمریکایی‌ها برای اینکه ایران را همچنان در چنبره قدرتشان نگه‌دارند، ناامید کرد و پل‌های ایران و آمریکا را که به شکل

یک‌سویه به سمت منافع آمریکا سنگینی می‌کرد، تخریب کرد... اگر لانه جاسوسی تسخیر نشده بود، بعید نبود که امروز دولتمردان آمریکا خطاب به ایران نیز از واژه گاو شیرده استفاده کند؛ امروز شاهدیم دولتمردان آمریکایی، سعودی‌ها را گاو شیرده خوانده و از ایران به‌عنوان کشوری یاغی یاد می‌کند؛ بنابراین هزینه‌ای که ما از تسخیر لانه جاسوسی متحمل شدیم این بود که آمریکا به ما بگوید یاغی، دستاورد این حرکت نیز این است که آمریکا دیگر نمی‌تواند به ما به چشم گاو شیرده نگاه کند»

شبهه۳۹:دشمنی و تحریم‌های آمریکا علیه ایران از تسخیر سفارت بود.

خط دیگری که معمولاً از سوی برخی افراد و جریان‌ها دنبال می‌شود، این است که هزینه‌ای که امروز کشور می‌پردازد، ناشی از اقدام دانشجویان پیرو خطّ امام در تسخیر سفارت آمریکاست و اگر تسخیر سفارت آمریکا نبود، امروز ایران تحت تحریم‌ها و دشمنی‌های آمریکا قرار نداشت. رهبر انقلاب به‌عنوان یکی از مسئولان ارشد نظام در برهه تسخیر سفارت، این‌طور به این شبهه پاسخ می‌دهند:

> **«آمریکا همیشه با ملت ایران دشمنی کرده؛ حتی در رژیم طاغوت قبل از انقلاب هم که یک دولت ملی را در سال ۱۳۳۲ ساقط کرد... بعضی‌ها تاریخ را تحریف می‌کنند که «شروع اختلافات از تسخیر لانه جاسوسی بوده؛ این تحریف تاریخ است. اختلاف بین ملت ایران با دولت آمریکا از ۲۸ مرداد و قبل آن بود که آن‌ها ملت ایران را دچار یک رژیم فاسد وابسته کردند»**

شبهه ٤٠: اگه آمریکا رو فحش ندیم تحریم‌ها تمام میشه

می‌گویند: اگر ما با آمریکا دشمنی نکنیم، خصومت‌ها و درگیری‌ها تمام می‌شود، تحریم‌ها و تهدیدها مرتفع می‌گردد و خودمان راحت‌تر زندگی می‌کنیم؟

پاسخ شبهه:

مقصودشان این است که «**اگر تسلیم شویم**»، چنین می‌شود که البته نخواهد شد و البته ما نیز تسلیم نخواهیم شد. پیش از انقلاب تسلیم بودیم و اگر می‌خواستیم به این ذلت و بندگی تن دهیم که دیگر انقلاب نمی کردیم. در این پرسشی که از ابتدای انقلاب مطرح بوده و در هر برهه‌ای نیز تکرار می‌شود، چندین خطای فحوایی و نیز محاسباتی وجود دارد و البته بیشتر کسانی که در سطح سیاسیون و یا دانشگاهیان چنین ادعاهایی را مطرح می‌کنند، خودشان به‌خوبی می‌دانند.

۱- اشکال، یا بهتر بگوییم: «**حیله‌ی نخست**» این است که می‌گویند: «**اگر ما با آمریکا دشمنی نکنیم**» یعنی ابتدا ما را به‌عنوان آغازگر دشمنی و جبهه‌ی تک‌قطبی برای تداوم خصومت متهم و محکوم می‌نمایند، سپس ادعاهای فرضی خودشان را مطرح می‌نمایند؛ اما حقیقت مطلب این است که ما با «**آمریکا، انگلیس و تمامی کشورها به‌جز اسرائیل که آن را رژیم غاصب می‌شناسیم**»، آغازگر دشمنی نبوده و نیستیم؛ بلکه آن‌ها هستند که به‌محض آغاز انقلاب اسلامی مردم ایران و سپس استقرار نظام جمهوری اسلامی

ایران به رأی اکثریت قاطع مردم (اوج دموکراسی)، دشمنی را آغاز کردند و هرگز از این خصومت، قدمی عقب‌نشینی نکرده‌اند.

۲- شاید مردمان آمریکا و کشورهای اروپایی، به‌رغم کوبیدن بر طبل دمکراسی و دمیدن به شیپور گوش‌خراش «لیبرالیسم»، هیچ‌گونه آزادی واقعی برای تعیین ساختار حکومتی بر کشور خود را نداشته باشند، چنان‌که از قیام مردم فرانسه و تظاهرات آن‌ها در شنبه‌ی هر هفته، علیه نظام سرمایه‌داری و ساختارش، بیش از یک سال می‌گذرد و هم چنان در سکوت جوامع بین‌المللی، سرکوب پلیسی می‌شوند؛ اما مردم ایران، پس از نزدیک به سیصد سال استعمار و استثمار و بخشیدن بخش‌های بزرگی از خاک و نیز به تاراج دادن سرمایه‌های این کشور، تصمیم گرفتند که مستقل باشند، ساختار حکومتی را خود تعیین کنند و صاحب سرمایه‌های ملی خود باشند.

۳- بدیهی است که این تصمیم، به مذاق «نظام سلطه» خوش نمی‌آید – از دست دادن حاکمیت و مالکیت بر ایرانِ بزرگ، قدرتمند و ثروتمندی که برایشان به «ژاندارم منطقه» تبدیل‌شده بود، قابل‌پذیرش نبوده و نیست — و الگو شدن نظام جمهوری اسلامی ایران و مردمش، برای سایر ملل مسلمان منطقه، برایشان خطری مُهلک می باشد. پس دشمنی را آغاز نموده و با شدت هر چه بیشتر، ادامه داده‌اند و البته دشمنی آن‌ها تا وقتی ما هستیم و هویت مستقل داریم، ادامه خواهد داشت.

٤- بنابراین، چنان که امام خامنه‌ای مکرر تصریح نموده‌اند: «دشمنی آمریکا با ما، یک دشمنی ذاتی است»، یعنی اساس زیرساخت و ساختار و اهداف «نظام استکباریِ سلطه»، با اساس یک حکومت مستقل، به‌ویژه اگر اسلامی باشد، تناقض دارد.

چنان‌که فرمودند:

«دشمنی با نظام اسلامی، ناشی از دشمنی ذاتی با اسلام می‌باشد». وقتی آمریکا که خود را ابرقدرت جهان می‌داند، همانند فرعون فریاد برمی‌آورد «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى – من برترین ربّ (صاحب اختیار و تربیت کننده ی امور) شما هستم» و شما متقابلاً فریاد می‌آورید «الله‌اکبر» و «رَبُّنَا اللَّهُ – ربّ ما الله است»؛ و وقتی شیطان بزرگ می‌گوید: «حقوق و قانون آن است که من به شما دیکته کنم» و شما می‌گویید: «آن است که خداوند خالق، علیم و حکیم بفرماید»؛ دشمنی ذاتی می‌شود.

نکته:

دقت شود که چه از جانب امام خمینی و امام خامنه‌ای و چه از جانب اهل فهم، همیشه بر «دشمنی آمریکا با ما» تأکید شده است؛ یعنی ابتدا کننده‌ی دشمنی و نیز تداوم بخش آن، آمریکا بوده است.

وقتی انبیا و رسولان الهی (علیهم السلام)، برای هدایت مردم مبعوث گردیدند، بیشتر مردم کافر، مشرک، ظالم و فاسد بودند. لذا از طرف انبیای الهی، همه رحمت، محبت و دعوت به‌حق بود؛ اما بسیاری از کفار و مشرکان، دشمنی را آغاز کرده و امتداد بخشیدند. اکنون، وضعیت ما با آمریکا و متحدان و نوکرانش نیز همین‌گونه است؛ ما حق خودمان را می‌خواهیم و بر مواضع برحقمان ایستادگی می‌کنیم و البته تمام عالمیان را دعوت به‌حق و عدالت می‌نماییم، اما آن‌ها هستند که دشمنی می‌کنند؛ و بدیهی است که پاسخ دشمنی، لبخند، امتیازدهی، تقدیم گُل و شیرینی و ... نیست، بلکه «دشمنی متقابل» خواهد بود.

گفتیم، گفتند:

۱- گفتیم: ما نظام سلطنت و شاه نوکر صفت نمی‌خواهیم گفتند: به شاه دست‌نشانده‌ی خودمان دستور می‌دهیم که شمارا سرکوب کند و از زمین و آسمان به‌سوی شما آتش مرگ بگشاید.

۲- گفتیم: ما می‌خواهیم حکومت و دولتمان را خودمان تعیین و انتخاب کنیم گفتند: پس ما در مقابل شما [به‌عنوان دشمن]، صف‌آرایی می‌کنیم.

۳- گفتیم: اجازه نمی‌دهیم که سفارتخانه‌ی شما در تهران، به‌عنوان یک لانه‌ی جاسوسی، برای طراحی کودتاها و ایجاد آشوب‌ها سازمان‌دهی بحران‌ها و حتی اتاق فرماندهی جنگ‌های داخلی عمل نماید گفتند: پس دشمنی آشکار شد و ما ضمن حمله نظامی (طبس)، شمارا تحریم اقتصادی می‌کنیم.

٤- گفتیم: تروریست‌ها، منافقین، گروهک‌های شبه‌نظامی و آدم کُش و ستون پنجم شما در مملک خودمان را ریشه کَن می‌کنیم. گفتند: شمارا در مجامع بین‌المللی، تروریست می‌خوانیم و در بیانیه‌های حقوق بشر، محکوم می‌نماییم و البته بر تحریم‌ها نیز می‌افزاییم.

۵- گفتیم: دوره‌ی بخشش استان‌ها و شهرهای این کشور توسط پادشاهان ذلیل به شما تمام شد، دیگر نه آذربایجان و خوزستانی به شما می‌دهیم و نه بحرین (که در زمان محمدرضا بخشوده شد)؛ گفتند با تمام قوای تسلیحاتی، سیاسی، مالی و ... از صدام حمایت می‌کنیم تا خاک شمارا به اشغال درآورد و برای ایجاد جنگ‌های داخلی و یا شورش‌های تروریستی، از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌نماییم. لذا تا ۵۰۰ نفر به خیابان

می‌ریزند، چند نفر را کشته و مجروح نموده و چند پمپ‌بنزین را به آتش می‌کشد، ترامپ و سایر رؤسای جمهور غربی، سریعاً و شخصاً اعلام حمایت می‌کنند.

۶- گفتیم: ما می‌خواهیم در عرصه‌های گوناگون رشد علمی نماییم و به لحاظ کشاورزی و صنعت و تولید، خودکفا شویم؛ به علوم گوناگون، ازجمله هوا – فضا، انرژی هسته‌ای، صنایع نظامی، نانو، تولید داروهای خاص و ... دست‌یابیم! گفتند: نه‌تنها شدیدترین تحریم‌ها را علیه شما اِعمال می‌کنیم، بلکه سایر گزینه‌ها نیز روی میز است.

۷- گفتیم: اجازه نمی‌دهیم که شما با ایجاد، آموزش و تسلیح گروه های تروریستی، چون طالبان، القاعده، داعش، النصرهٔ و ...، در کشورهای اسلامی و همسایه، ناامنی و کشتار ایجاد کنید، سوریه و عراق را به تصرف آنها درآورید و سپس قصد ایران نمایید و ...؛ گفتند: با شما در همان عراق و سوریه و ... می جنگیم، شما را محکوم‌به دخالت در کشورهای دیگر می‌کنیم و بزرگ‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم در جهان (شهید سردار سلیمانی، المهندس و ...) را خودمان ترور می‌کنیم و به خودمان تبریک نیز می‌گوییم.

۸- گفتیم: با بصیرت مراقب نفوذ هستیم و با همّت والا در تقویت همه‌جانبه‌ی خود می‌کوشیم. گفتند: سعی می‌کنیم شمارا از داخل، با انواع فتنه‌ها و نیز بحران‌های اقتصادی و سوء مدیریت‌های عمدی، تضعیف کنیم.

آیا هنوز هستند کسانی که بگویند: «دشمنی ما با آمریکا» و مدعی شوند که اشکال از مواضع ماست و اگر ما کمی ملایم‌تر شویم، کوتاه بیاییم، در مذاکرات شرکت کنیم و به توافقاتی دست‌یابیم و ...، آمریکا و انگلیس پسرخاله‌های ما می‌شوند وزندگی ما بهتر می‌شود؟!

یادتان هست که در ابتدای آغاز مذاکرات هسته‌ای، برخی از تازه به دوران رسیده‌های سیاسی، می‌گفتند: آمریکا، انگلیس و متحدان اروپایی و نوکران عربی، با ما دشمنی ندارند – این دولت قبلی بود که با بداخلاقی، آن‌ها را با ما دشمن کرد – آمریکا نتوانسته ایران را بشناسد و ما اکنون با لبخند و شادی و دادن امتیازهای عجیب‌وغریب، ایران را به آن‌ها می‌شناسیم – دوره‌ی موشک تمام شد و اکنون دوره‌ی مذاکره است – چند تا امتیاز می‌دهیم، به‌جایش چرخ‌های صنعت می‌گردد و «کلید» سعادت مردم، همین است که ما مقابل غرب کوتاه بیاییم و ...، خب چه شد؟

الحمدالله ابتدا آمریکا از توافق هسته‌ای خارج شد و سپس اروپا با چند سال گربه رقصانی، به هیچ‌یک از تعهداتش عمل نکرد و حال‌آنکه به اذعان مسئولان، ما نه‌تنها به تعهدات خود، به‌صورت یک‌جانبه عمل نمودیم، بلکه کارهایی کردیم که آن‌ها از ما نخواسته بودند، لذا بسیار متعجب و خوشحال شدند.

آیا بازهم می‌گویند: «دشمنی ما با امریکا» و بازهم مدعی می‌شوند که «اگر ما کمی کوتاه بیاییم، همه‌چیزتمام می‌شود و کشور آباد می‌گردد و مردم به رفاه و امنیت می‌رسند»؟

آیا خودشان احمق هستند و یا مردم را احمق فرض کرده‌اند؟ آیا از خدا و قیامتشان نمی‌ترسند و از این مردم، خجالت نمی‌کشند؟

شبهه ٤١: مشکلات حاصل رأی مردم است.

مردم مجبورند از میان نامزدهایی که با حذف انواع و اقسام گرایش‌ها از گردونه انتخابات در سبد انتخاب مردم قرارگرفته‌اند، انتخاب کنند. بدون اینکه نامزد مطلوب خود را بیابند، فقط به دلیل تقویت نهاد انتخابات و نیز تقویت کشور و ایران به میدان می‌آیند و رأی می‌دهند. آن‌وقت متهم می‌شوند که وضعیت کشور محصول رأی آنان است. درحالی‌که آنان فقط ۱۰ درصد درنتیجه انتخابات نقش داشته‌اند.

پاسخ شبهه:

این ادعا در نزدیکی هر انتخابات مکرر تکرار می‌شود. انتخابات آزاد، انتصابات به‌جای انتخابات، تقلّب، صیانت از آراء ... کلیدواژه‌هایی هستند که بارها از سوی جریان‌های خاص و هم‌زمان ضدانقلاب و حتی مقامات غربی درباره انتخابات ایران مطرح می‌شود.

واقعیت این است که این شبهات پاسخ‌های بسیاری دارد و بسیار هم پاسخ گفته‌شده؛ اما منفعت برخی جریان‌ها در تکرار مکرر آن است تا **دروغ گوبلزی**[1] (وزیر پروپاگاندای هیتلر و خالق نظریه دروغ بزرگ) مورد باور افکار عمومی قرار بگیرد.

---

[1]. دروغ گوبلزی اصطلاح و تکنیکی است در پروپاگاندا، که اولین بار توسط آدولف هیتلر از آن استفاده کرد و نماینده تکنیکی تبلیغاتی در دنیای سیاست است.

آدولف هیتلر در کتاب نبرد من، می‌گوید مردم شکست آلمان در جنگ جهانی اول را به این دلیل پذیرفتند که یهودی‌های دارای نفوذ در مطبوعات از این تکنیک استفاده کردند. از نظر او این روش مستلزم آن است که دروغ چنان عظیم باشد که هیچ‌کس باور نکند که «کسی آنقدر گستاخ باشد که چنین بی‌شرمانه حقیقت را تحریف کند».

۱- اگر این ادعاها درست بود، باید دولت، مجلس و شوراها همواره در دست یک جناح یا طرز تفکر می‌ماند. درحالی‌که چنین نیست و طی حداقل شش سال گذشته، دولت، اکثریت مجلس و شورای شهر بسیاری نقاط کشور در دست یک تفکر خاص سیاسی بوده که البته همان تفکر همواره معترض انتخابات است.

۲- چرااین جریان سیاسی هیچ‌وقت پاسخگوی فساد مالی، اخلاقی و یا موضع‌گیری‌های رادیکالی هم‌راستا با دشمنان برخی چهره‌های سرشناسش نیست و فقط وقت انتخابات از رد صلاحیت این چهره‌ها می‌نالد؟ بهتر نیست به‌جای فرافکنیِ علت رد صلاحیت، با شفافیت مراقب رفتارهای خلاف قانون بازیگران جریان خود باشند؟

۳- هر مطلّعی می‌داند تمام کشورهای دموکراتیک دنیا سازوکارهای خاص خود را برای ورود به انتخابات دارند؛ بدون اینکه نخبگان جامعه این سازوکارها را در تنافی با آزاد بودن انتخابات تلقی کنند. به‌عنوان‌مثال در امریکا فرآیند استصواب که درون دو حزب

اولین مورد استفاده دروغ بزرگ در این جمله معروف او مستند شده‌است: «در دروغ بزرگ همواره نیروی قابل باور بودن موجود است.»

بعدها یوزف گوبلز که وزیر تبلیغات هیتلر بود این تئوری را با کمی تغییر بدین گونه بیان کرد که دروغ بزرگ یکی از روش‌های تبلیغاتی مورد استفاده انگلستان است که دروغ بزرگی می‌گویند و در ضمن تحت هر شرایطی بر صحت آن پافشاری می‌کنند.